برگزیت، حملات تروریستی و شکست محافظه‌کاران در انتخابات پارلمانی حال و روز لندن را در هم ریخته است

روباه بیمار اروپا

چالش
روح‌الله صالحی

شکست حزب محافظه‌کار در انتخابات پارلمانی موقعیت ترزا می، نخست‌وزیر این کشور را تضعیف کرده است و دولت اقلیت محافظه‌کار پس از این در سیاستگذاری‌های خود دست به عصا راه خواهد رفت.

لقب «بیمار اروپا» شاید بهترین توصیف برای حال و روز دولت محافظه‌کار انگلیس در اروپا باشد. دولتی که در طول یک‌سال گذشته دو شکست سیاسی پیاپی را متحمل شده است که می‌تواند به جایگاه این کشور در عرصه بین‌الملل ضربه بزند. زمانی که ترزا می در ۲۰۱۶ به قدرت رسید بسیاری بر این باور بودند که او می‌تواند همچون مارگارت تاچر، نخست‌وزیر سابق انگلیس موقعیت قدرتمند حزب محافظه‌کار را تکرار کند اما ترزا می که روی کار آمدنش را مدیون رفراندوم خروج انگلیس از اتحادیه اروپا «برگزیت» است در مدت کوتاه زمامداری خود نه تنها موفقیتی به دست نیاورد، بلکه با شکست حزب محافظه‌کار در انتخابات پارلمانی ضربه سختی به محافظه‌کاران وارد و اولین تجربه تلخ سیاسی در اولین سال زمامداری برای ترزا می حاصل شد.

ترزا می که پس از استعفای دیوید کامرون، نخست‌وزیر سابق انگلیس بدون انتخابات روی کار آمده بود برای تقویت قدرت خود و اینکه نشان دهد می‌تواند جایگاهش را بین مردم تقویت کند و امیدوار از پیروزی قاطع خود برگزاری انتخابات زودهنگام پارلمانی را کلید زد اما نتیجه انتخابات چیزی نبود که ترزا می انتظار آن را داشت و حزب محافظه‌کار نتوانست اکثریت پارلمان را به دست آورد و باید با ائتلافی از سایر احزاب دولت معلق تشکیل دهد که همین مسئله سبب می‌شود تا دولت جدید در سیاستگذاری‌های خود دست به عصا راه برود، زیرا سایه احزاب دیگر روی سر دولت وی سنگینی خواهد کرد و اختیارات کاملی برای اجرای سیاست‌های خود نخواهد داشت. شوک انتخابات انگلستان، چنان شده است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا ضمن اظهار تأسف از نتایج آن، نگرانی خود را از دردسر انتخابات بیان کرده است.

دولت جدید انگلیس علاوه بر اینکه از سوی مخالفان داخلی تحت فشار خواهد بود باید روند خروج از اتحادیه اروپا را در سال جاری میلادی شروع کند و این مسئله دشواری‌های دولت ترزا می در چهار سال آینده را دو چندان خواهد کرد. نخست‌وزیر انگلیس سعی داشت با پیروزی در انتخابات پارلمانی تجربه تلخ همه‌پرسی خروج از اتحادیه اروپا را جبران کند اما بر خلاف تصور ترزا می، در طول یک‌سال شکست دیگری در کارنامه حزب محافظه‌کار ثبت شد. هرچند تا یک ماه قبل از انتخابات پارلمانی روند تحولات به نفع حزب محافظه‌کار بود و نتایج نظرسنجی‌ها از پیروزی ترزا می حکایت داشت اما در مدت دو هفته ورق تحولات به نفع رقبای محافظه‌کاران برگشت.

■ حملات تروریستی

یکی از عواملی که به تضعیف موضع حزب ترزا می منجر شد ناامنی‌های ناشی از حملات تروریستی در انگلیس بود. از اوایل ۲۰۱۷ چند حمله تروریستی در شهرهای این کشور اتفاق افتاد و رعب و وحشت را در دل مردم ایجاد کرد. ناکارآمدی دولت در مقابله با حوادث تروریستی به رغم افزایش تدابیر امنیتی، جو سیاسی را به ضرر حزب محافظه‌کار و به نفع رقبای آن تغییر داد. این حملات تروریستی توسط افرادی انجام شد که به طور مستقیم از سوی عربستان سعودی حمایت مالی می‌شوند و از آنجا که ترزا می، حامی اصلی سعودی‌ها در منطقه است و همچنان به فروش سلاح به عربستان ادامه می‌دهد، موجی از نارضایتی‌ها را از دولت می ایجاد و از این‌رو شرایط را برای موج سواری حزب کارگر فراهم کرد و با تبلیغات این حزب علیه حامیان تروریسم و حزب محافظه‌کار بخشی از آرای مردمی به سبد رأی حزب رقیب انتقال یافت. حتی دولت ترزا می گزارش ویژه درباره اسامی نهادها و کشورهای حامی مالی تروریسم را منتشر نکرد و نوعی بدبینی را در جامعه انگلیس ایجاد کرد.

> **نخست‌وزیر انگلیس که می‌خواست پیروزی قاطع مارگارت تاچر در سال ۱۹۸۷ را تکرار کند و خود را به عنوان نخست‌وزیر قدرتمند نشان دهد، الان نه تنها موقعیت خود را متزلزل می‌بیند، بلکه آینده حزب محافظه‌کار را هم به خطر انداخته است به نظر می‌رسد آثار شکست حزب محافظه‌کار در انتخابات پارلمانی در بعد داخلی و خارجی گریبانگیر دولت جدید خواهد شد**

■ محبوبیت کوربین

نتیجه انتخابات پارلمانی نشان داد وزن سیاسی حزب کارگر افزایش یافته است و جرمی کوربین، رهبر این حزب در مدت کمتر از دو سال توانسته است پایگاه مردمی خوبی برای خود دست و پا کند. انتقادهای مداوم کوربین از دولت انگلیس و مخالفت با سیاست‌های مخربانه آن در خاورمیانه و دامن زدن به تشدید فرقه‌گرایی در این منطقه، سبب شد تا کوربین افکار عمومی انگلیس را به سمت خود جلب کند تا جایی که به عنوان پدیده انتخابات مطرح شود. به گفته رسانه‌های انگلیس، پس از پایان انتخابات، حزب کارگر با موجی از استقبال مردمی روبه‌رو شد که خواهان پیوستن به آن بودند و در روزهای اخیر صدها هزار نفر به حزب کارگر پیوسته‌اند.

■ ترزا می زیر ذره‌بین

بدون تردید نخست‌وزیر انگلیس که نمی‌تواند دولت یکدست محافظه‌کار تشکیل دهد پس از این توسط رقبای خود زیر ذره‌بین قرار خواهد گرفت و برای پیشبرد برنامه‌های خود باید با سایر احزاب هماهنگ باشد. حزب کارگر که توانسته است نسبت به دوره قبل آرای بیشتری کسب کند به عنوان اصلی‌ترین حزب اپوزیسیون، چالش‌های بزرگی را برای دولت معلق ترزا می ایجاد خواهد کرد و او برای جلب نظر نمایندگان حزب کارگر راه دشواری خواهد داشت، زیرا پس از انتخابات، ترزا می مجبور است با یک حزب اقلیتی برای تشکیل دولتش رایزنی کند. خط و نشان جرمی کوربین، برای محافظه‌کاران که تأکید کرده است به تلاش خود برای سرنگونی دولت ادامه می‌دهد، چالش‌هایی است که ترزا می با آنها دست و پنجه نرم خواهد کرد.

از طرفی ائتلاف با احزاب کوچک می‌تواند به وجهه حزب محافظه‌کار لطمه بزند و در صورت خروج یکی از آنها از کابینه جدید، دولت بی‌ثبات و شکننده‌ای در انگلیس روی کار خواهد بود که هر لحظه احتمال فروپاشی آن وجود دارد، بنابراین در صورتی که ترزا می نتواند ائتلاف لازم را ایجاد کند، باید انتخابات دیگری را برگزار نماید که به گفته برخی ناظران حتی ممکن است به ریزش آرای حزب محافظه‌کار بینجامد. با این وجود دولت ترزا می ناگزیر است برخی از برنامه‌هایش را به خاطر حفظ حمایت احزاب حامی خود کنار بگذارد. به باور ناظران، در چنین وضعیتی نقش احزاب کوچک‌تر به دلیل امکان پذیرش یا عدم پذیرش حضور در دولت ائتلافی به مراتب مهم شده و آنها می‌توانند با چانه‌زنی و کسب امتیازات همراهی خود را ادامه دهند، چراکه عمر کوتاه دولت‌های اقلیت یا ائتلافی باعث می‌شود تا حزبی که رهبری این نوع از دولت‌ها را برعهده دارد، نتواند برنامه‌هایش را به طور کامل اجرا کند.

■ برگزیت کابوس می

نخست‌وزیر انگلیس که از کشورهای اروپایی رانده شده است تلاش می‌کرد با کسب پیروزی قاطع در انتخابات پارلمانی حداقل حمایت مردم انگلیس را پشت سر برنامه‌های خود داشته باشد اما شکست در انتخابات سبب شده است تا ترزا می از این موهبت نیز بی‌بهره بماند. ترزا می پیشتر وعده داده بود در مذاکرات برگزیت، بهترین شرایط را برای انگلیس برای ترک عضو اتحادیه اروپا رقم می‌زند. وی دلیل برپایی انتخابات را سه سال زودتر از موعد برای کسب حکمی قوی از سوی مردم برای دولتش در مذاکرات عنوان کرده بود که نتوانست در این زمینه موفقیتی حاصل کند اما می‌توان گفت آنچه پیشتر به عنوان فرصتی برای تقویت موضع دولت محافظه‌کار ترزا می در مذاکرات برگزیت تصور می‌شد، الان تبدیل به کابوسی شده است که به پیچیده‌تر شدن روند مذاکرات دامن خواهد زد و حتی خروج کامل از اتحادیه اروپا ممکن است دولت جدید را در تأمین نیازهای اقتصادی مردم انگلیس دچار مشکل کند. به همین دلیل است که برخی کشورهای اروپایی برای نجات انگلیس از این بحران، همچنان امیدوار هستند تا انگلیس در اتحادیه اروپا حضور داشته باشد.

■ سخن آخر

نخست‌وزیر انگلیس که می‌خواست پیروزی قاطع مارگارت تاچر در سال ۱۹۸۷ را تکرار کند و خود را به عنوان نخست‌وزیر قدرتمند نشان دهد، الان نه تنها موقعیت خود را متزلزل می‌بیند، بلکه آینده حزب محافظه‌کار را هم به خطر انداخته است. به نظر می‌رسد آثار شکست حزب محافظه‌کار در انتخابات پارلمانی در بعد داخلی و خارجی گریبانگیر دولت جدید خواهد شد و پس از این مواضع بین‌المللی انگلیس چندان قوی نخواهد بود که بتواند در روند تحولات بین‌المللی تأثیرگذار باشد. باید منتظر ماند و دید که آیا ترزا می خواهد توانست دولت ائتلافی قوی تشکیل دهد یا با توجه به شکننده بودن دولت جدید، وی نیز مانند سلف خود دیوید کامرون به دومین قربانی برگزیت تبدیل خواهد شد.

پایان عصر تنش‌زدایی روسیه با ناتو

دورنما
دکتر سیدرضا میرطاهر

یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های امنیتی محیط بین‌المللی کنونی تقابل روسیه و غرب در چند عرصه است که در عرصه نظامی و امنیتی نماد آن، رویارویی روسیه و ناتو در اروپای شرقی است. این رویارویی از سال ۲۰۱۴ تاکنون همواره رو به افزایش بوده است. طبیعتاً مسکو رویکردی انتقادی در این زمینه اتخاذ کرده است. با این همه با ادامه تنش و اختلافات بین روسیه و ناتو، ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه اخیراً در انتقادی بی‌سابقه از این سازمان امنیتی غربی، ناتو را ابزار سیاست خارجی امریکا قلمداد کرد. از دیدگاه وی در این سازمان نظامی، کشورهای همپیمان حضور ندارند، بلکه ناتو صرفاً متشکل از کشورهایی وابسته به امریکاست. کما اینکه وی معتقد است که مقاومت کشورهای عضو ناتو در مقابل فشارهای کشور قدرتمندی چون امریکا به عنوان رهبر ناتو، بسیار دشوار است.

موضع‌گیری پوتین در باره سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نشان دهنده نگاه روس‌ها به ماهیت ناتو است. در واقع مقامات ارشد روسیه بر این گمان هستند که با توجه به نفوذ فراگیر امریکا بر ناتو و استفاده ابزاری از آن که عملاً به عنوان آلت دست واشنگتن در پیشبرد اهداف سیاست خارجی امریکا در آمده است، چندان امیدی به آن نباید داشت. مثال برجسته این مسئله را می‌توان فشار فزاینده دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا برای افزایش بودجه نظامی اعضای ناتو و نیز افزایش سهم آنها در هزینه‌های این سازمان دانست. مسئله‌ای که عملاً منجر به تسلیم اعضای اروپایی ناتو شده و حتی کشور قدرتمندی هم چون آلمان نیز به رغم مخالفت‌های داخلی، در نهایت تسلیم خواسته ترامپ شده است. از سوی دیگر اقدامات و مواضع ناتو از جمله پذیرش مشارکت ناتو در ائتلاف بین‌المللی ضد داعش که هم از خواسته‌های اصلی امریکا بوده، نشان می‌دهد که واشنگتن قادر است در عمل خواسته‌های خود را به ناتو واعضای آن دیکته کند. همچنین افزایش رویارویی ناتو با روسیه در شرق اروپا که این هم در راستای سیاست خارجی امریکا برای مهار روسیه انجام می‌شود، از دیگر مصادیق ماهیت ابزاری ناتو برای امریکاست. بدین ترتیب مقامات ارشد مسکو به این جمع بندی رسیده‌اند که برخورد با ناتو به مثابه یک سازمان نظامی مستقل و تلاش برای برقراری روابط متوازن و عامل با آن، چندان واقع بینانه نخواهد بود. شاید بتوان این رویکرد جدید را گردشی بنیادین در رویکرد سنتی روسیه در قبال ناتو دانست. بعد از فروپاشی شوروی و ظهور روسیه به عنوان کشور جانشین آن، روس‌ها تلاش گسترده‌ای برای برقراری روابط حسنه با غرب انجام دادند که در زمینه دفاعی و امنیتی، این تلاش به صورت تشکیل شورای روسیه - ناتو تجلی پیدا کرد. این شورا در سال ۲۰۰۲ شکل گرفت و آخرین نشست رسمی این شورا نیز در ژوئن ۲۰۱۴ برگزار شد. از آن زمان تا سال ۲۰۱۶ گفت‌وگو بین روسیه و ناتو به دلیل اختلاف دو طرف بر سر بحران اوکراین متوقف شد. به‌رغم برگزاری دو نشست این شورا در سال ۲۰۱۶، اما نتیجه‌ای از آنها عاید مسکو و ناتو نشد. اکنون با اظهارات پوتین می‌توان گفت ظاهراً روس‌ها به این دلیل در باره ثمر بخش بودن مذاکرات روسیه و ناتو ناامید هستند که اساساً این سازمان نظامی را فاقد استقلال عمل می‌دانند. از سوی دیگر روسیه اکنون خود را با رویکرد خصمانه غرب در دو جنبه نظامی - امنیتی و اقتصادی - تجاری مواجه می‌بیند اما آنچه اکنون برای مسکو از اهمیت بیشتری برخوردار است، افزایش آشکار اقدامات ناتو در جوار مرزهای غربی این کشور است که آشکارا خصلتی تحریک کننده دارد و از نگاه کرملین با هدف «دربرگیری» روسیه صورت می‌گیرد. رویکرد خصمانه ناتو با افزایش استقرار نظامیان خود در شرق اروپا و ادامه تلاش آن برای پیشروی به سوی شرق باعث شده تا روسیه در دکترین امنیت ملی خود، ناتو را به عنوان یک تهدید امنیت ملی روسیه تلقی کند. مقامات مسکو به این نتیجه رسیده‌اند که دشمنی و خصومت غربی‌ها علیه روسیه نه پدیده‌ای زود گذر بلکه به مثابه رویکردی مستمر و پایدار از جانب ناتو و امریکا علیه روسیه دنبال می‌شود. آخرین نمود این رویکرد خصمانه، برگزاری رزمایش هشت کشور ناتو در جوار مرزهای غربی روسیه موسوم به رزمایش سابر استرایک ۲۰۱۷است که از ۱۳ خرداد به منظور واکنش سریع و جمعی به تهدیدات احتمالی، در خاک لتونی در نزدیکی مرز روسیه آغاز شده است.

وقتی مصر برای پول خاک خود را حراج می‌کند

تمدن نیل در اشغال دلارهای سعودی

رویکرد
رحمان نعیمی

سعودی‌ها بعد از ورود نیروهای خود به بحرین و مناطقی در جنوب یمن، در یک قدمی تصرف دو جزیره مصری هستند که در نگاه بسیاری از مصری‌ها چیزی نیست جز اشغال خاک کشورشان توسط آل سعود. مجلس مصر روز چهارشنبه ۱۴ ژوئن به قانونی رأی مثبت داد که مرزهای دریایی میان دو کشور مصر و عربستان را تعیین می‌کرد و طبق این قانون، دو جزیره تیران و صنافیر از قلمرو دریایی مصر خارج و به تصرف سعودی‌ها در می‌آید. این توافقنامه‌ای است که بیش از یک سال قبل به امضای دو طرف رسیده بود اما ژنرال عبدالفتاح السیسی باید برای تبعیت از روند قانونی، آن را به مجلس می‌فرستاد تا به رأی نمایندگان گذاشته شود. کمیسیون امنیت و دفاع مجلس در گام نخست توافقنامه را مورد بررسی قرار داد و با تأیید این کمیته معلوم شد که توافقنامه در صحن علنی هم باید تأیید شود که نتیجه همین بود. واگذاری این دو جزیره از زمان مطرح شدنش در آوریل سال گذشته میلادی با نارضایتی عمومی در مصر همراه بود که فعالان مصری سعی می‌کردند از طرق مسالمت‌آمیز جلوی این کار را بگیرند و حتی کار را به دادگاه کشاندند اما حالا تمام این اعتراضات و راه‌های مسالمت‌آمیز با رأی مثبت مجلس بی‌نتیجه مانده‌اند و به همین جهت است که جریان‌های سیاسی مصری از مردم دعوت کرده‌اند تا در ۱۶ ژوئن در تظاهراتی به نام جمعه خشم، فریاد خود را علیه واگذاری این دو جزیره به سعودی‌ها بلند کنند.

■ سابقه تاریخی

سامح شکری، وزیر خارجه مصر، در کمیسیون امنیت و دفاع مجلس حاضر شده بود تا با استناد به یکی دو واقعه تاریخی به نحوی توافقنامه واگذاری تیران و صنافیر به سعودی‌ها را توجیه کرده باشد. وقایع مورد نظر او یکی به تصمیم حسنی مبارک در ۱۹۹۰ باز می‌گشت که دستور شماره ۲۷ را برای ساماندهی حریم دریایی مصر صادر کرده بود و دیگری سخنان عصمت عبدالمجید، وزیر خارجه اسبق مصر، در همان زمان که به همتای سعودی خود در سوم مارس ۱۹۹۰ از تعلق این دو جزیره به آل سعود گفته بود و مدعی شده بود که مصر تنها و بدون حق حاکمیت این دو جزیره را اداره می‌کند. استناد شکری به این دست وقایع در حالی است که مستندات تاریخی غیر قابل انکاری دال بر حاکمیت مصر بر این دو جزیره از ۱۹۰۶ است که بعد از چندین دور مذاکره و نامه‌نگاری بین حکومت وقت مصر و امپراطوری عثمانی، حاکمیت هر دو جزیره به مصر واگذار شد. این موضوع از سوی نمایندگان مصر در ۱۵ فوریه ۱۹۵۴ و ششصد و پنجاه و نهمین نشست شورای امنیت سازمان ملل مورد تأکید قرار گرفت و در برابر ادعای رژیم صهیونیستی در آن جلسه که مدعی اشغال این دو جزیره توسط مصر شده بود، نماینده مصر به ۱۹۰۶ اشاره کرد که این دو جزیره از آن زمان جزو قلمرو مصر بوده و تصرف آنها چیز جدیدی نیست و برای تأیید نظر خود استناد به اسناد رد و بدل شده بین مصر و امپراطوری عثمانی کرد. با وجود این زمینه تاریخی، دست به دست شدن هر دو جزیره از جنگ ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۳ باعث شده تا سعودی‌ها نوعی حق حاکمیت بر هر دو جزیره قائل شوند، چراکه در جنگ ۱۹۶۷، مصری‌ها مجبور شده بودند تا به دلیل شرایط جنگی و تاکتیکی دو جزیره را به سعودی‌ها واگذار کنند و بعد که نظامیان رژیم صهیونیستی دو جزیره را به اشغال خود درآوردند، مصری‌ها در جنگ ۱۹۷۳ هر دو جزیره را آزاد کرده و تا کنون بر آن حاکمیت داشته‌اند. در هر صورت، سابقه تاریخی به خوبی حکایت از حاکمیت مصر بر این دو جزیره دارد و شاید شکری به آن دو واقعه استناد کرده چون نمی‌تواند برای توجیه واگذاری دو جزیره به عربستان مستند تاریخی چندانی جز همین وقایع نه چندان قابل توجه چیز دیگری را پیش بکشد.

■ زمین فروشی مصری‌ها در ازای دلارهای نفتی

موشه یلعون، وزیر جنگ سابق رژیم صهیونیستی، سال گذشته بعد از توافقنامه واگذاری آن جزایر به سعودی‌ها گفت که مصر تیران و صنافیر را در ازای دریافت ۱۶ میلیارد دلار از عربستان به این کشور فروخته است. یلعون این معامله را نتیجه توافق رژیم خود و امریکا دانست و به نظر می‌رسد که منظور او همان چیزی بود که رسانه‌های منطقه در آن زمان از دیدار جان کری، وزیر خارجه امریکا، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، محمد بن سلمان، پسر پادشاه و وزیر دفاع سعودی و ژنرال السیسی گفته بودند و گویا توافقنامه واگذاری تیران و صنافیر به سعودی‌ها از معامله‌ای به دست آمد که در آن دیدار انجام شده بود. صحت و سقم این معامله همچنان قابل بحث است اما نکته روشن کمک‌های بی‌وقفه مالی سعودی‌ها به السیسی است که از کودتای سوم ژوئیه ۲۰۱۳ حاکمیت بر مصر را در اختیار گرفته و به این

کمک‌ها برای رفع و رجوع مشکلات اقتصادی مصر دست‌کم در کوتاه مدت نیاز مبرم دارد. این کمک‌ها از ۱۰ میلیارد دلار در همان ابتدای سر کار آمدن السیسی شروع شد و در یک نمونه دیگر، سعودی‌ها متعهد به ایجاد یک منطقه آزاد تجاری در صحرای سینا به هزینه‌ای بالغ بر ۳۰ میلیارد دلار شده‌اند. در هر صورت، منتقدان مصری موضوع واگذاری دو جزیره به سعودی‌ها را از منظر همین معامله می‌نگرند و این احساس عمومی در مصر ایجاد شده که السیسی خاک وطن را در برابر دلارهای نفتی سعودی‌ها فروخته است. این احساس از آنجایی تقویت می‌شود که جلسه بررسی توافقنامه واگذاری در صحن عمومی مجلس مصر بسیار سریع و چیزی کمتر از ۳۰ دقیقه انجام شد و علی عبدالعال، رئیس مجلس مصر، به بهانه تأکید همه بر حفظ منافع عمومی، بر پنهان نبودن چیزی در توافقنامه تأکید کرد تا راه تصویب آن را سرعت داده باشد که البته نتیجه هم داد. این سرعت عمل عجیب در حالی بود که جلسه نخست مجلس در دو روز قبل به جدال شدید بین مخالفان و موافقان منجر شد و قرار شد بحث بر سر توافق در سه روز انجام شود.

■ عواقب سیاسی

بی‌شک رأی مجلس مصر به این توافقنامه آخرین گام واگذاری تیران و صنافیر نیست، چراکه به لحاظ قانونی، مرحله امضای ژنرال السیسی باقی مانده تا مصوبه مجلس مرحله پایانی برای قانونی شدن را طی کند. از طرف دیگر، باید به واکنش‌ها به این روند توجه داشت که از آوریل گذشته تا کنون واکنش اعتراضی ادامه داشته است. پنج حزب سیاسی مصر به نام‌های مصر دموکراتیک، الدستور، ائتلاف سیاسی مردمی الکرامه، العیش و الحریه بیانیه‌ای مشترک صادر کرده و در آن هم به ریاست مجلس به خاطر تسریع عجیب در تصویب توافقنامه حمله کرده‌اند و هم به مصوبه دادگاه عالی اداری مصر اشاره کرده‌اند که توافقنامه واگذاری دو جزیره را باطل کرده و از نظر این احزاب، وقتی دادگاه عالی این نظر را داده دیگر ارجاع توافقنامه به مجلس وجاهت و مشروعیت قانونی ندارد. این پنج حزب تهدید کرده‌اند واگذاری تیران و صنافیر به سعودی‌ها در حکم اشغال این دو جزیره است و وعده داده‌اند که به تلاش خود برای آزادسازی دو جزیره ادامه خواهند داد. اتحادیه روزنامه‌نگاران مصر این حد از لحن ملایم در برابر رأی مجلس نداشته و تصویب توافقنامه را ناشی از امتیازدهی ژنرال السیسی و کوتاه آمدن او از مالکیت مصر بر تیران و صنافیر دانسته‌اند. چهره‌هایی مثل خالد علی، حقوقدان و وکیل مدافع مشهور و خالد فهمی، مورخ مصری هم زبان تندتری در مخالفت با رأی پارلمان به کار بسته و به طور مستقیم السیسی را مورد خطاب قرار داده‌اند تا جایی که فهمی در صفحه فیسبوک خود می‌نویسد: «تاریخ نام عبدالفتاح السیسی را به عنوان اولین رئیس جمهور مصر که داوطلبانه و با موافقت نهاد نظامی مصر از خاک مصر کوتاه آمد ثبت خواهد کرد؛ رئیس جمهوری که بخشی از نهاد نظامی است و قدرتش بدون حمایت آن ثبات ندارد.» این روند از واکنش اعتراضی با فراخوان اخوان المسلمین همراه شد که از اقشار مختلف مردم خواسته در تظاهرات روز جمعه، مشارکت کرده و خشم خود را نسبت به تصویب توافقنامه واگذاری جزایر اعلام کنند و در بیانیه خود اعلام کرده: «باید فوراً موج جدیدی از اعتراض‌ها و تظاهرات مداوم علیه السیسی و نظام او به عنوان مجرمانی که از دو جزیره تیران و صنافیر کوتاه آمدند، برگزار شود و این نظام کودتایی خائن را سرنگون کرد.» حزب الوطن و شورای انقلابی هم به این جریان اعتراضی پیوسته‌اند که در مجموع باید گفت تصویب توافقنامه واگذاری جزایر در پارلمانی خشم عمومی در مصر را به آن حد رسانده که به نظر نمی‌رسد خاموش کردن آن برای السیسی چندان راحت باشد هر چند او طی این چهار سال نشان داده برای سرکوب اعتراضات از هیچ خشونتی روگردان نیست به خصوص حالا که بهانه‌ای به نام جنگ با تروریسم را هم در دست دارد. در این بین، باید به وضعیت سعودی‌ها از نظر مصری‌ها توجه کرد که با دلارهای نفتی خود خاک آنها را خریده‌اند. شکی نیست که مخالفان توافقنامه گناه کار را تنها السیسی نمی‌دانند بلکه آل سعود را هم شریک او می‌دانند. در واقع، سعودی‌ها که کار اشغالگری در بحرین و یمن را با هزینه‌های سنگین و حتی خونین ادامه می‌دهند، می‌خواهند تنها با پرداخت دلارهای خود به السیسی اشغال دو جزیره تیران و صنافیر را بدون دردسر انجام دهند اما این چیزی نیست که از نظر افکار عمومی در مصر مخفی بماند و سعودی‌ها باید منتظر هزینه سنگین این نوع اشغالگری به ظاهر راحت در سال‌های بعد باشند.